

بسم الله الرحمن الرحيم

کاربرد سیاق در فهم قرآن کریم

فاطمه مؤمن زاده¹

چکیده

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) یکی از منابع اصلی استنباط احکام و معارف دینی است که دستیابی به معارف ژرف آن از رهگذر بعضی قرائن محقق می شود. این قرائن به اعتبار وجود آن ها داخل و یا خارج از قرآن به دو دسته درون متنی و برون متنی تقسیم می شوند. روایات ائمه معصومین علیهم السلام از جمله قرائن برون متنی محسوب می شوند. قرائن درون متنی منحصر به یک قسم نبوده و دارای اقسامی است. سیاق یکی از اقسام قرائن درون متنی به شمار می آید. پژوهش پیش رو در صدد بررسی کارکردهای این قرینه در فهم قرآن است. با توجه به این که توجه و عدم توجه به سیاق در شکل گیری آراء تفسیر نقش به سزایی دارد، نویسنده در صدد بررسی کارکردهای سیاق برای جلوگیری از اشتباهات تفسیری است. در نگاشته پیش رو پس از بررسی معنای سیاق در لغت و اصطلاح، کارکردهای مخلف آن در فهم آیات قرآن کریم بیان می شود.

کلید واژه

کاربرد سیاق، علامه طباطبایی، علوم و معارف قرآن، روش تفسیر، قرائن درون متنی قرآن کریم

مقدمه

هر متکلمی در مقام مخاطب برای تفهیم مقصود خود به مخاطب از قرائنی بهره می گیرد. سیاق از جمله همین قرائن است که توسط خداوند متعال در قالب الفاظ قرآن کریم گنجانده شده تا مردم که مخاطب این معارف نورانی اند از رهگذر آن به مقصود وحی پی ببرند. البته اهمیت و کارکرد این قرینه منحصر در فهم آیات الهی نیست بلکه از آن در علم اصول و فقه نیز استفاده شده است.^۲ علاوه بر مورد پیش گفته بعضی از دانشمندان

1- طلبه پایه پنجم مدرسه فاطمیه سلام الله علیها شهرستان باغملک، ایمیل: www.mwmn81134@gmail.com

2- مرحوم مظفر دلالت های اقتضاء، تنبیه و اشاره را دلالت های سیاقیه می نامد. (ن.ک: مظفر، اصول فقه، ص 145).

اسلامی نیز برای فهم روایات از این قرینه بهره ها جسته اند.^۳ گستره کارکرد این قرینه در فهم متون و مسائل مختلف بیانگر اهمیت بررسی آن در عرصه های مختلف است. این نوشته، فوائد آن را در عرصه قرآنی پیگیری می کند. اهمیت این قرینه در فهم آیات الهی به اندازه ای است که برداشت نادرست از آن در بعضی آیات از جمله آیه تطهیر موجب نزاع شدیدی بین مفسرین شیعه و اهل سنت شده است. میزان بهره بری از این قرینه در بین مفسرین به یک اندازه نیست بلکه بعضی همچون علامه طباطبایی در المیزان 2111 بار^۴ و بعضی همچون علامه طبرسی در مجمع البیان تنها دو بار^۵ از این قرینه در فهم آیات استفاده کرده اند. از آنجا که بیشترین کسی که از این قرینه در فهم آیات الهی بهره جسته علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است، نویسندگان کارکردهای سیاق در قرآن را با محوریت تفسیر المیزان پیگیری می نماید. نگاشته کنونی پاسخ به این سوال که «کاربرد سیاق در فهم قرآن چیست» را محور مباحث خود قرار داده است. اگرچه بررسی این مساله منحصر به این نوشته نبوده و تحقیقات دیگری نیز در این زمینه صورت پذیرفته^۶ اما این پژوهش در صدد تنظیم و ارائه تمامی کارکردهای سیاق در قرآن کریم با محوریت تفسیر المیزان با سبکی ترویجی است. نویسندگان در این نوشته بعد از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی سیاق، ساختار پژوهش پیش رو را با ارائه کارکردهای مختلف سیاق سامان می دهد.

1- سیاق در لغت و اصطلاح

سیاق در لغت از ماده «س، و، ق» است. «مهریه»^۷ و «نزع روح»^۸ از جمله استعمالات این واژه است که توسط لغویون ذکر شده است. در اصطلاح علوم قرآنی، برخی از پژوهشگران سیاق را نوعی ویژگی لفظ، عبارت و سخن می دانند که در اثر همراه بودن با کلمات و عبارات دیگر شکل می گیرد.^۹ بر اساس این تعریف سیاق تنها شامل قرائن لفظیه می شود. مفسر المیزان اگر چه در تفسیر خود از این قرینه بسیار بهره جسته ولی تعریفی از آن ارائه نمی دهد. دقت در موارد کاربرد قرینه سیاق در تفسیر المیزان روشن می سازد که مراد نویسنده چیزی شبیه تعریف پیش گفته است.^{۱۰}

3- ن.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، 280.

4- جعفری، اصغر پور و اوحدی؛ بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص 7.

5- سید علی هاشمی، سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی، ص 12.

6- به عنوان نمونه، مقاله بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان نوشته جعفری، اصغر پور و اوحدی.

7- فیروز آبادی، القاموس المحيط، ج 3، ص 335.

8- فراهیدی، العین، ج 5، ص 190؛ لسان العرب، ابن منظور، ج 10، ص 167.

9- ن.ک: روش شناسی تفسیر قرآن، بابایی و عزیزی و روحانی راد، ص 120.

10- مقاله سیاق در قرآن، هاشمی، ص 39.

2- کاربردهای سیاق در فهم آیات قرآن کریم

2-1. شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی

ملاک مفسران برای تعیین مکی و مدنی بودن آیات و سوره مختلف است.^{۱۱} برخی مکان نزول آیه یا سوره را در نظر گرفته و گروه دیگر خطاب آیه به اشخاص یا گروه خاص را ملاک قرار می‌دهند. بسیاری از اهالی علوم قرآن و مفسران نیز، ملاک را زمان نزول شمرده و این زمان را به پیش و پس از هجرت تقسیم کرده‌اند.^{۱۲} علامه طباطبایی هم جزء گروه سوم است.^{۱۳} اکنون برای نمونه یکی از کاربردهای سیاق در تشخیص آیات مکی و مدنی ذکر می‌شود:

علامه طباطبایی در تفسیر سوره مطففین می‌گوید: این سوره با تهدید کم فروشان آغاز شده^{۱۴} و آنها را به زنده شدن در قیامت تهدید می‌کند، سپس این مطلب را با تفصیل مسائلی که در آن روز فجار و ابرار با آن مواجه می‌شوند خاتمه می‌دهد، آیات اول این سوره که سخن از مطففین دارد از نظر سیاق با آیات مدنی و آیات آخرش با سیاق سوره‌های مکی تناسب دارد.^{۱۵}

2-2. تبیین معنای واژه

علامه طباطبایی با تمسک به سیاق در بعضی آیات قرآن کریم معنای دقیق و اراده شده از آن را بیان می‌کند. از جمله این موارد آیه 34 سوره مبارکه احزاب می‌باشد:

«وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحَكْمِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا»

بعضی مفسرین، کلمه «اذکرن» در این آیه شریفه را به معنای «یادگیری» گرفته‌اند که بر اساس آن معنای آیه چنین می‌شود: ای زنان پیامبر آنچه از آیات و حکمت‌های الهی که در خانه شما خوانده می‌شود یادگیرید، خداوند نیز لطیف و آگاه است.

11- طباطبایی، قرآن در اسلام، ص 132.

12- معرفت، علوم قرآنی، ص 82.

13- طباطبایی، قرآن در اسلام، ص 132.

14- ویل للمطففین؛ مطففین: 1.

15- موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج 20، ص 378.

علامه طباطبایی معنای ذکر شده را به دلیل ناسازگاری با سیاق نپذیرفته و می گوید: علاوه بر این که این معنی با سیاق آیه سازگاری ندارد در پایان آیه دو اسم از اسماء الحسنی وجود دارد که با شروع آیه تناسب دارند و اگر «ذکر» به معنای «یادگیری و یادآوری» باشد این تناسب، رعایت شده است.^{۱۶}

3-2. شناخت مرجع ضمیر

ضمیر، جانشین عنوان اصلی اعم از اسم فرد یا شیء است. بهره گیری از ضمیر به شرطی درست است که مرجع آن پیشتر ذکر شده یا برای مخاطب روشن باشد. مفسر المیزان در تفسیر خود با توجه به قرینه سیاق 94 بار^{۱۷} مرجع ضمیر را مشخص کرده است. اکنون به یکی از آن موارد اشاره می شود:

علامه در ذیل تفسیر آیه 10 سورة انفال «و ما جعله الا بشری و لتطمئنن به قلوبکم» می نویسد:

دو ضمیری که در «جعل» و «به» وجود دارد با توجه به دلالت سیاق به امداد ملائکه که در آیه 9 همین سوره «اذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم انی ممدکم بالف من الملائکه مردفین» به آنها اشاره شده بود باز میگردند.^{۱۸}

4-2. استظهار ادبی

ظهورگیری ادبی یکی از قواعد تفسیری است. برای استظهار ادبی بهره گیری از صرف، نحو، بلاغت و لغت امری ضروری است. سیاق نقش روشنی در ظهورگیری دارد و می تواند ظهور ساز بوده و یا انصراف ظهوری ایجاد کند. با استفاده از سیاق می توان ویژگی صرفی، نحوی کلمات، متعلق ظروف و جمله محذوف در آیه همچون جواب شرط یا قسم محذوف را تعیین کرد. از آنجا که بنای مقاله بر اختصار است به ذکر یک نمونه از هر کدام بسنده می شود:

1-4-2. نقش سیاق در ترکیب آیات

علامه در ذیل تفسیر آیه شریفه 59 سورة فرقان «... ثم استوی علی العرش الرحمن فاسأل به خبیراً» می نویسد:

آنچه که از سیاق به دست می آید این است که «الرحمن» خبر برای مبتدای محذوف بوده و تقدیر آیه شریفه چنین است: هو الرحمن.^{۱۹}

16- طباطبایی، المیزان، ج 16، ص 313.

17- ن.ک: جعفری و اصغرپور و اوحدی، بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص 22.

18- طباطبایی، المیزان، ج 9، ص 21.

19- طباطبایی، المیزان، ج 15، ص 233.

2-4-2. نقش سیاق در تعیین ویژگی صرفی کلمات

علامه در ذیل تفسیر آیه 39 نمل « قال عفريت من الجن انا آتيك به قبل ان تقوم من مقامك و انى عليه لقوى امين» درباره تجزیه واژه «آتيك» می نویسد: این واژه، ثبوتاً از دو احتمال خارج نیست، یا فعل مضارع از مصدر «اتيان» بوده و یا این که اسم فاعل است. لکن احتمال دوم به چند دلیل با سیاق تناسب بیشتری دارد: اولاً دلالت اسم فاعل بر استمرار و ثانياً جمله «وانى عليه لقوى امين» جمله اسمیه بوده و عطف آن بر جمله اسمیه، تناسب بیشتری دارد.²⁰

2-4-3. نقش سیاق در تعیین متعلق ظروف

علامه طباطبایی در تفسیر خود گاهی با بهره بری از سیاق به تعیین متعلق ظروف می پردازد. مثلاً در آیه « يوم ترجف الراجفه» واژه «يوم» ظرف بوده و نیاز به متعلق دارد. نویسنده المیزان، می گوید:

آنچه با سیاق تناسب دارد این است که «يوم» ظرف برای جواب قسمی²¹ باشد که در کلام نیامده تا بر عظمت آن جواب دلالت کند و بفهماند جواب مقدر، آنقدر شدید است که ناگفتنی است. آن جواب، جمله «لتبعثن» است، یعنی حتماً مبعوث خواهید شد. با توجه به این توضیح معنای آیه چنین می شود: حتماً در روزی که زلزله های وحشتناک (نفخ صور اول) همه چیز را به لرزه در آورد مبعوث خواهید شد.²²

2-4-4. نقش سیاق در تعیین جواب قسم محذوف

از استعمالات شایع قرآن این است که در پاره ای از آیات شریفه به اموری قسم خورده می شود اما جواب قسم به علتی ذکر نمی شود، علامه در مواردی در پرتو سیاق، جواب قسم محذوف را مشخص کرده است. برای نمونه در آیه اول سوره صاد «ص و القرآن ذی الذکر» بعد از قسم خوردن به قرآن، جواب قسمی ذکر نشده است. علامه می فرماید از سه آیه بعدی « بل الذین کفروا فی عزه و شقاق* کم اهلکنا من قبلهم من قرن فنادوا و لات حین مناص* و عجبوا ان جاءهم منذر منهم و قال الکافرون هذا ساحر کذاب» برمی آید مسئله ای که مشرکان به دلیل آن، شقاق به خرج می دادند و در گذشته افراد زیادی بخاطر آن هلاک شدند تکذیب

20- طباطبایی، المیزان، ج 15، ص 362.

21- مراد از قسم، سوگندهای ابتدایی سوره نازعات است: «والنازعات غرقا* والناشطات نشطا* والسابحات سبحا* فالسابحات سبقا* فالدبرات امرا».

22- موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج 20، ص 300.

لعن جاودان هستند و ادامه آیه «لا يخفف عنهم العذاب و لا هم ينظرون» تبدیل سیاق از لعن به عذاب است تا دلالت کند که لعن به عذابی برای آنان تبدیل می شود.^{۴۵}

11-2. ترجیح یکی از قرائت ها

از جمله روش های معمول برای تفسیر آیات، توجه به قرائت های مختلف واژگان قرآن است و براین اساس، تفسیر آیه، گاه بر اساس اختیار یک قرائت و گاه با احتمال صحیح چند قرائت صورت می پذیرد. برای دستیابی به قرائت صحیح و مختار واژگان، راه های مختلفی وجود دارد که از جمله آنها بهره گیری از سیاق آیات است. علامه طباطبایی 6 بار^{۴۶} با استناد به این قرینه، قرائت صحیح را معین کرده است. برای مثال ایشان در ذیل تفسیر آیه 53 سوره مومنون «فتقطعوا امرهم بینهم زیراً کل حزب بما لدیهم فرحون» می نویسد: حرف «باء» در «زیرا» بر اساس قرائت مشهور به ضمّ باء خوانده شده در حالی بر نظر ما این قرائت صحیح نیست بلکه قرائت نقل شده از ابن عامر که مبنی بر فتح «باء» است درست است چرا که در این قرائت معنای «زیرا» فرقه بوده که این معنی با سیاق سازگاری بیشتری دارد.^{۴۷}

12-2. تشخیص کیفیت نزول آیات

کیفیت نزول همه آیات قرآن به یک شکل نبوده است بلکه نزول بعضی آیات سوره ها دفعی و نزول بعضی دیگر به شکل تدریجی بوده است. علامه در المیزان 13 بار^{۴۸} در پرتو سیاق، کیفیت نزول را مشخص کرده است. برای نمونه ذیل تفسیر آیات 153 الی 157 سوره بقره «یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاه ان الله مع الصابرين* و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون* و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموات و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين* الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون* اولئک علیهم صلوات من ربهم و اولئک هم الممهدون» می نویسد: این آیات پنج گانه یک سیاق متحد دارند. جملات آنها نظم خاصی دارد و از نظر معنایی با یکدیگر سازگاری دارند. اول این آیات به انتهای آن مرتبط است و انتهای این آیات به اول آن بر می گردد و این مسئله مشخص می کند که این آیات به شکل دفعی – نه پراکنده- نازل شده اند.^{۴۹}

45- طباطبایی، المیزان، ج1، ص391.

46- جعفری و اصغر پور و اوحدی، بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص22.

47- طباطبایی، المیزان، ج25، ص36.

48- جعفری و اصغر پور و اوحدی، بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص12.

49- طباطبایی، المیزان، ج1، ص343.

13-2. تبیین آیات استطرادی

استطراد از محسنات معنوی کلام است و عبارت از این است که متکلم بنا به مناسبتی از مطلبی به مطلب دیگر منتقل شود و آنگاه به سخن اول برگردد و آن را تا انتها ادامه دهد.^{۵۰} علامه در بعضی موارد با کمک سیاق، آیات استطرادی را مشخص نموده است. برای نمونه در ذیل تفسیر آیات 16 تا 19 قیامت « لا تحرک لسانک لتعجل به* ان علینا جمعه و قرآنه* فاذا قراناه فاتبع قرآنه* ثم انه علینا بیانہ» می نویسد:

سیاق این آیات چهار گانه با توجه به آیات قبل و بعد که توصیف کننده احوالات و اوصاف روز قیامت اند نشان می دهد که این آیات، معترضه و دربردارنده ادب الهی است و پیامبر «ص» مکلف گردیده تا به هنگام وحی آیات الهی بر ایشان ادب را رعایت نماید و به قرائت آنچه که هنوز نازل نشده مبادرت نکند و زبان خود را برای خواندن آن نجنباند و سکوت پیشه کند تا وحی، پایان یابد.^{۵۱}

14-2. نقد و اختیار آرای تفسیری

یکی از مهم ترین کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، نقد و اختیار آرای تفسیری است. علامه، ذیل تفسیر بعضی آیات، اقوال مفسران اعم از شیعه و سنی را در تفسیر آیه گزارش کرده است و آن گاه با بهره گیری از سیاق آیات به اختیار و گزینش یکی از اقوال و یا ردّ باقی آنها پرداخته است. علامه 381 بار با کمک سیاق آیات به نقد و اختیار آراء مفسران پرداخته است که از این بین 13 بار نظر مفسران را تایید و 357 بار نظرات آنان را از رهگذر این قرینه، رد کرده است و 11 بار نیز به نقد و اختیار آرای تفسیری پرداخته است.^{۵۲}

مثال برای تایید آراء تفسیری بخاطر هماهنگی با سیاق:

علامه ذیل تفسیر آیه 81 سوره مبارکه آل عمران « و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمه ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه ...» می نویسد:

بعضی از مفسران در تفسیر آیه مذکور گفته اند که: خداوند متعال از پیامبران، عهد و پیمان گرفت که حضرت محمد «ص» را تصدیق کنند و به امت هایشان بعثت ایشان را بشارت دهند، تفسیر مذکور بخاطر هماهنگی با سیاق، صحیح می باشد.^{۵۳}

50- سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ص 92.

51- طباطبایی، المیزان، ج 20 ص 109.

52- جعفری و اصغر پور و اوحدی، بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص 20.

53- طباطبایی، المیزان، ج 3، ص 335.

مثال برای نقد آرای تفسیری بخاطر ناهماهنگی با سیاق:

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه 4 سوره شریفه عنکبوت «ام حسب الذين يعملون السيئات ان يسبقونا سوء ما يحكمون» مینویسد:

بعضی از مفسران درباره این آیه گفته اند: مفاد آیه، مربوط به توبیخ مومنان نافرمان می باشد و مراد از این قسمت آیه که می فرماید: «الذين يعملون السيئات» نیز مومنان نافرمان می باشند و مراد از «سیئات» گناهای غیر از شرک است که مرتکب می شوند، اما سیاق آیه با این نظر مساعدت ندارد.^{۵۴}

مثال برای نقد و اختیار آراء تفسیری بخاطر سیاق:

علامه ذیل تفسیر آیه 87 سوره مبارکه مریم «لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا» سه قول را در تفسیر واژه عهد، گزارش میکند: نخست، عهد ایمان به خداوند و تصدیق نبوت می باشد، دوم، منظور از عهد، وعده خداوند متعال به شفاعت کردن است و سوم، عهد، شهادت با «لا اله الا الله» و دوری جستن از حول و قوه غیر الهی و تنها امید داشتن به خداوند است. علامه پس از نقل این سه قول می نویسد: وجه اول بخاطر هماهنگی با سیاق، صحیح تر است.^{۵۵}

15-2. مشخص کردن نوع روایت

علامه طباطبایی در پنج نوبت^{۵۶} با بهره گیری از سیاق به تعیین نوع روایت وارد شده در تفسیر آیه، پرداخته است. برای نمونه ذیل آیه 122 سوره انعام «أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَاحْيِينَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...» روایتی بدین مضمون را از زید، نقل می کند: از امام صادق «ع» درباره این آیه شنیدم که فرمود: «میت» کسی است که هیچ نمی داند، «نورا یمشی به فی الناس» امامی است که به او اقتداء می شود، «من مثله فی الظلمات لیس بخارج منها» کسی است که امام خود را نمی شناسد. علامه پس از نقل این روایت مینویسد: روایت مذکور از قبیل جر و تطبیق است چرا که بر اساس سیاق آیه، منظور از «حیات» صرفا ایمان است و منظور از «نور» هدایت خداوند متعال به سخن حق و عمل صالح می باشد.

نتیجه گیری

54- همان، ج16، ص101.

55- همان، ج14، ص111.

56- جعفری و اصغر پور و اوحدی، بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، ص31.

در این نوشته، کارکردهای مختلف سیاق در فهم قرآن کریم، جمع آوری شد. از آنجا که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیش از تمامی مفسران دیگر در تفسیر آیات به این قرینه توجه داشته و در موارد متعددی در پرتو این قرینه به تفسیر آیات شریفه پرداخته اند، بیان کارکردهای سیاق با محوریت این تفسیر صورت گرفت. در این پژوهش، پانزده کارکرد مختلف از این قرینه بیان شد که همین کثرت کارکرد نشان از اهمیت این قرینه در تفسیر آیات شریفه قرآن دارد بگونه ای که عدم توجه به آن می تواند در آراء تفسیری مفسر، نقش بسزایی داشته و در بعضی موارد او را از طریقه صحیح تفسیر منحرف کرده و مستوجب ارائه تفسیری نادرست از آیات الهی می شود.

منابع

*قرآن کریم

- 1- ایزدی و زندیه، مهدی و نورالدین، مقاله سیاق و سباق در مکتب تفسیری علامه طباطبایی، مجله مطالعات قرآن و حدیث، ش 29، تابستان 1391 ش.
- 2- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، تهران، نشر تحقیق و توسعه علوم انسانی، اول، 1381 ش.
- 3- بابایی و عزیزی و روحانی راد، علی اکبر و غلامعلی و مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، سمت، اول، 1379 ش.
- 4- جعفری و واصغر پور و واحدی، رسول و حسن و مرتضی، مقاله بازپژوهی کارکردهای سیاق در تفسیر المیزان، مجله سراج منیر، ش 24، پاییز 1395 ش.
- 5- شایسته نژاد، علی اکبر، ترجمه مجمع البیان، تهران خانه کتاب، اول، 1389 ش.
- 6- طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب، سوم، 1388.
- 7- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، اول، 1363 ش.
- 8- موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه المیزان، قم، جامعه مدرسین، یازدهم، 1378 ش.
- 9- هاشمی، سید علی، مقاله سیاق در قرآن، مجله علوم قرآن و حدیث، ش 14، پاییز 1391 ش.
- 10- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، سوم، 1414 ق.
- 11- زرکشی، محمد بن عبد الهلال، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، اول، 1975 ق.
- 12- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، 1414 ق.
- 13- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت دار الکتب العربی، بی تا.

- 14- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیۃ، اول، 1415 ق.
- 15- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، اسوه، دوم، 1383 ش.
- 16- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، تحقیق عبّاس علی زارعی سبزواری، قم، بوستان کتاب، پانزدهم، 1394 ش.
- 17- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مرکز التّمهید، چهارم، 1381 ش.
- 18- معرفت، محمد هادی، التّمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز التّمهید، اول، 1428 ق.
- 19- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، اول، 1380 ش.